

Critical analysis of discourse in Saqinameh Razi AldinArtimani with Fairclough approach

Critical discourse analysis or discourse analysis is an interdisciplinary trend that examines a slice of text in a particular historical period; One of the most well-known approaches to critical analysis is Fairclough's approach, which seeks to explain why and why language is used and the functions of a single language. Hidden relationships in the text and effective social practices have been achieved. One of the texts to be considered based on the critical analysis of Fairclough is the biography of Razia al-Din Artimani, which has three levels of description, interpretation and explanation, discourse points of Sufism, Shiite religion and ideologies hidden in social action and power relations in the poetic era. Revealed. In the present study, Artimani Saghinameh, as a discourse text, reflects the natural and hegemonic presuppositions of those in power. And it seeks to answer these questions: what social actions are the discourse in the text of the Saqiyat letters and how did the power relations in the Safavid era play a role in the naturalization of the existing discourses? Finally, researchers have achieved a social explanation by extracting the ideological dimensions of speech and identifying discourses.

تحلیل انتقادی گفتمان در ساقی نامه رضی الدین آرتیمانی با رویکرد فرکلاف

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۴

رسول شمس نصرتی^۱

سید حسن سید ترابی^۲

علیمحمد موذنی^۳

محمد رضا شادمنام^۴

چکیده

تحلیل انتقادی گفتمان یا تحلیل کلام، یک گرایش بین‌رشته‌ای است که برشی از متن را در یک دوره تاریخی خاص بررسی می‌کند؛ از شناخته‌شده‌ترین رویکردهای تحلیل انتقادی، رویکرد فرکلاف است که در پی چگونگی و چرایی کاربرد زبان و کارکردهای واحد زبانی است فرکلاف کنش‌های گفتمانی را واسط میان اجتماع و گفتمان می‌داند و با مطالعه بر زبان و تمرکز بر آن به روابط پنهان در متن و کردارهای اجتماعی مؤثر، دست یافته است. یکی از متون قابل تأمل با تکیه بر تحلیل انتقادی فرکلاف ساقی‌نامه رضی‌الدین آرتیمانی است که در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، نکات گفتمانی طریقت تصوف، مذهب تشیع و ایدئولوژی‌های نهفته در کردار اجتماعی و مناسبات قدرت در عصر شاعر را آشکار کرد. در پژوهش حاضر، ساقی‌نامه آرتیمانی به عنوان یک متن گفتمانی، پیش‌فرض‌های طبیعی شده و هژمونیک صاحبان قدرت را بازتاب داده است. و در پی پاسخ به این سؤالات است که گفتمان موجود در متن ساقی‌نامه‌ها برآیند کدام کردارهای اجتماعی بوده و مناسبات قدرت در عصر صفوی چگونه در طبیعی کردن گفتمان‌های موجود نقش داشته است؟ در نهایت پژوهشگران با استخراج ابعاد ایدئولوژیک سخن و شناسایی گفتمان‌ها، به تبیین اجتماعی دست یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل انتقادی گفتمان، آرتیمانی، فرکلاف، ساقی‌نامه، صفوی.

۱. مقدمه

گفتمان در معنای کلی، گفتگوی میان دو یا چند نفر است که بر سر موضوع رسمی بحث و بررسی می‌کنند تا حقیقت با این روش، در زمینه‌های مهم سیاسی و اجتماعی تحصیل شود و نظریه‌ها در بوتۀ نقد و داوری قرار گیرند. به عبارت دیگر، گفتمان قطعه‌ای از زبان با معناست که اجزای آن به نحوی به هم مرتبط می‌باشند و اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند. در واقع ساختی گفتاری و نوشتاری از زبان است که محصول ارتباط و تعامل مباشران گفتگو در بافتی اجتماعی- فرهنگیست. اما تحلیل انتقادی گفتمان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که کارکردهای مختلف زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند و بدین صورت است که از سطح توصیف فراتر رفته و به تبیین و تفسیر متن می‌رسد و این کار را از طریق وارد کردن مفاهیمی مانند قدرت و ایدئولوژی همچنین در نظر گرفتن عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت/سلطه، نهادهای ایدئولوژیک اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انجام می‌دهد. این نوع تحلیل، علاوه بر توصیف وضع داده‌های زبانی و معنایی موجود در چارچوب گفتمان مورد نظر، دلایل چرایی و چگونگی این وضع را نیز بیان می‌دارد.

با پیشرفت روزافزون دنیای پیرامون ما آگاهی نسبت به جهان امری ضروری است. ادبیات، متن و گفتار از مهمترین راه‌های برقراری ارتباط است که شناخت تمام عوامل تشکیل دهنده آن در بالا رفتن میزان آگاهی ما نسبت به اوضاع پیرامون ما را امکان‌پذیر می‌سازد. ساقی‌نامه‌ها از ژانرهای مهم شعری برای بیان گفتمان‌های موجود در جامعه‌اند که از جهت نمود آبره‌هایی مانند باده، جام و پیلله با خمیریات عربی همگونی زبانی دارند با این تفاوت که برخلاف خمیریات دربردارنده مضامینی چون حکمت، فلسفه، عرفان، شکایت و انتقاد نیز می‌باشند. ساقی‌نامه رضی‌الدین آرتیمانی شاعر عصر صفوی نزدیک به ۶۰ بیت در قالب مثنوی است که شاعر از آن به عنوان رسانه‌ای جهت بیان مسائل اجتماعی و گفتمان‌های حاکم در عصر عباسی استفاده می‌کند. گفتمان‌های پنهان در ساقی‌نامه آرتیمانی مانند یک روایت فراگیر عمل می‌کنند و به لحاظ زبانی اهمیت و معنای ویژه‌ای از یک واقعیت را مطرح می‌کنند. در پژوهش حاضر، که یک روش کیفی و تفسیری برای شناخت متن ساقی‌نامه و جهان‌بینی شاعر است نقش فعال نگرش آرتیمانی در ایجاد و تغییر جهان و قلمرو اجتماعی را نشان می‌دهد و به تشریح نقش شعر به عنوان رسانه ادبی در تحولات گسترده اجتماعی می‌پردازد.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه تحقیقات انجام شده می‌توان به کتاب تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف اشاره کرد که مجموعه‌ای از مقالات فرکلاف درباره تحلیل انتقادی است. این کتاب را هفت مترجم ایرانی به فارسی ترجمه کرده‌اند نویسنده در این مقالات درباره نقش زبان، قدرت و ایدئولوژی و سطوح مختلف توصیف، تفسیر و تبیین را در تحلیل گفتمان نشان داده است. نظریه و روش تحلیل گفتمان ماریان یورگنسن و لوئیز فیلیپس تحقیق دیگری است که نویسندگان در این کتاب به تشریح مبانی فلسفی نظریه گفتمان فرکلاف و موف و تطبیق آن با تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب پرداخته‌اند. فردوس آفاگل زاده در ایران در دهه هشتاد تحقیقاتی در زمینه گفتمان انجام داده است یکی از آنها کتاب تحلیل گفتمان انتقادی در سال ۱۳۹۴ درباره مبانی تحلیل انتقادی گفتمان است همچنین مقالاتی مانند تحلیل گفتمان و ادبیات (۱۳۸۶) که به بررسی

گفتمان انتقادی و ارتباط آن با متون ادبی و با علومی چون زبان شناختی، نقد ادبی و سبک‌شناسی پرداخته است و آن را محصول فرآیندهای ایدئولوژیک می‌داند. از طرفی رویکرد غالب در تحلیل گفتمان انتقادی (۱۳۸۶) مقاله مشترک با مریم سادات غیاثیان را به نگارش درآورده که به خاستگاه تحلیل انتقادی گفتمان و معرفی مکاتب نظری تأثیرگذار بر آن اشاره دارد. مقالظ دیگر، کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی (۱۳۸۴) است. از تحقیقات دیگر، پایان‌نامه ارشد تحلیل گفتمان انتقادی اشعار سیمین بهبهانی با رویکرد نورمن فرکلاف فرزانه محمدی با راهنمایی نسرين علی اکبری است که محقق در آن درباره مبانی تحلیل انتقادی گفتمان و کاربست سطوح مختلف تحلیل فرکلاف را در شعر بهبهانی بررسی کرده است. مقالاتی مانند تحلیل گفتمان و گفتمان طنز در شعر حرف آخر شاملو علی صفایی و علی عزیزاده (۱۳۹۳) در دوسطح دستوری بر طبق دستور فرشیدورد و عناصر گفتمانی بر اساس نظریه فراکارکرد هالیدی است. تحلیل گفتمانی شعر خوان هشتم و آدمک مهدی اخوان ثالث طاهر جعفری (۱۳۹۵) که بر طبق رویکرد ون دایک به تحلیل شعر اخوان پرداخته است. لطف الله یارمحمدی مقاله‌ای مشترک با مریم شریف به نگارش درآورده است با عنوان بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان مدار که در این مقاله مؤلفه‌های گفتمان مدار جامعه‌شناسی و معنایی پیشنهادی یارمحمدی در تحلیل و توجیه رباعیات خیام به کار گرفته شده است. کتاب گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی لطف الله یارمحمدی (۱۳۹۳) کتابی درباره گفتمان‌شناسی است. تحلیل انتقادی قصیده‌ای از سنایی غزنوی نجمه حسینی سروری (۱۳۹۳) نیز درباره کاربست سطوح مختلف رویکرد زبان‌شناختی و گفتمان اجتماعی است. زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف از جهانگیر جهانگیری و علی بندر ریگی زاده (۱۳۹۲) کار تحقیق دیگری است که نویسندگان به تحلیل انتقادی گفتمان پرداخته اند. مقاله گفتمان شعر پنجره از فروغ فرخزاد از منظر زبان‌شناسی سیستمی نقشگرا شروین خمسه (۱۳۹۶) که نویسنده بر اساس فراکارکرد اندیشگانی بینافردی و متنی از طریق زبان‌شناسی نقش‌گرا به بررسی شعر فروغ پرداخته است. تحلیل گفتمان به مثابه یک روش تحقیق در علوم انسانی علی حاتمی و سمیرا جبارنژاد (۱۳۸۷) با مباحث زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنبه‌های از زبان برای درک بهتر تحلیل گفتمان و جایگاه آن در علوم انسانی مشخص می‌شود. مقاله تحلیل گفتمان شعر پیغام ماهی‌ها از سهراب سپهری (۱۳۸۵) که نگارنده به بررسی شعر سپهری از منظر فراکارکرد اندیشگانی - بینافردی و متنی می‌پردازد. تجزیه و تحلیل گفتمانی - دستوری منظومه صدای پای آب سهراب سپهری (۱۳۸۶) که نگارنده منظومه سپهری را از نظر فراکارکرد متنی بررسی کرده است. زن در ضرب‌المثل‌های فارسی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی آوا ایمانی و دیگران (۱۳۹۴) که نویسندگان به بازنمایی بروز شده نگرش‌ها به زن در گفتمان ضرب‌المثل‌های فرهنگ فارسی پرداخته اند تا عواملی که باعث ایجاد انسجام و درک ضرب‌المثل‌های مربوط به زنان می‌شود مورد بررسی قرار دهند و تأثیر روابط بین گفتمانی و ایدئولوژی حاکم را بر نظم گفتمانی تحلیل کنند. در زمینه سبک ادبی، زبان‌شناختی و مسائل صوری و دستوری در شعر و ساقی‌نامه رضی‌الدین آرتیمانی هیچ‌گونه تحقیق انجام نگرفته است بدین خاطر تحقیقی به این سبک و در این بعد بسیاری از جنبه‌های زبان‌شناسی و جامعه‌شناختی زبان و اجتماع عصر شاعر را برای مخاطب فراهم می‌سازد.

۳. رضی‌الدین آرتیمانی

سید محمد رضی‌الدین آرتیمانی که در اغلب تذکره‌ها با القاب "میرزا" و "میر" نیز از او یاد شده است در نیمه دوم قرن دهم هجری یعنی عصر شاه عباس صفوی در منطقه آرتیمان از توابع تویسرکان در نزدیک شهر همدان متولد شد. دوران

کودکی را نزد پدرش در همان منطقه سپری کرد اما در جوانی برای تحصیل علوم دینی راهی همدان شد و به جرگه شاگردان میرمرشد بروجردی پیوست. آرتیمانی متأثر از مقام عرفانی و عملی مرشد خویش، مدت‌ها در سلک مریدان وی بود، از طرفی میرمرشد به دلیل دل‌بستگی به یکی از مریدان، همدان را به مقصد اصفهان که آن زمان مجمع ارباب شعر، دانش و ادب بود ترک کرد. با این تفصیل «اگر قول [اعتماد السلطنه] که مرگ رضی را ذیل وقایع سال (۱۰۳۷ ه.ق) می‌نویسد، بپذیریم و سنین عمر او را بین شصت و پنج تا هفتاد فرض نماییم، نزدیک سی سال داشته که به دربار صفوی حضور یافته است و این سال مقارن همان زمانیست که مرشد بروجردی همدان را به عزم اصفهان و شیراز ترک کرده است. مؤلف نتایج الافکار در معرفی وی می‌گوید: «میررضی‌الدین آرتیمانی از سادات کرام و نیکو طبعان خوش کلام بوده و به مذاق عرفان آشنایی و به مقامات سلوک رسایی داشت.» (گوپا موی، ۱۳۳۶: ۲۶۴). وی از سادات و میرزایان دختر شاه عباس بود که توانست بزرگی خاندانش را از طریق حفظ علوم درسیه و استعدادش در احکام را نشان دهد. (صدیق حسن خان، ۱۳۹۰: ۱۷۹). هدایت او را سیدی صاحب ذوق و عارفی با فضایی در معارف الهی و مدارج حقانی در عصر شاه عباس صفوی می‌داند وی از رندان مست و عارفان پاکدل و صوفیان صافی‌دل بود و علوم نقلی و عقلی را چون حجابی می‌دانست که انسان را از معشوق یکتا باز می‌دارد. (هدایت، ۱۳۱۶: ۱۲۹). آرتیمانی دارای دیوان شعری با مجموعه‌ای از ساقی‌نامه، غزل، قصیده و رباعی است اشعاری که از وی باقی مانده نزدیک به یک هزار بیت است. (آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۸۷). که ساقی‌نامه وی در قالب مثنوی و در ۵۹ بیت به دلیل بیان بسیاری از مضامین عرفانی، اخلاقی و نکات و ظرایف ادبی و به خاطر انعکاس مسائل سیاسی، باورها و عقاید مسلط در جامعه حاوی نکات اجتماعی است.

۴. تحلیل انتقادی گفتمان

شناخت انسان‌ها از جهان به دلیل تاریخ‌مند بودن، برآیند تعاملات فرهنگی و اجتماعی است و دانش ما از جهان با توجه به تحلیل گفتمانی، محصول مقوله‌بندی‌هایی است که به دست ما رسیده و آن حقیقتی عینی است. در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، شخص به کارگیرنده به عنوان موجودی که محصول و تولید اجتماع و تاریخ باشد همیشه در حال ساختن قدرت است در این نظریه، زبان اشخاص از طریق اعمال اجتماعی شکل می‌گیرد و این زبان مسلط دارای ساخت اجتماعی - زبان شناختی است که بر اثر ادغام و ترکیب شدن نیروهای متضاد و متفاوت زبانی تولید می‌شود. «آقاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۰». تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درونی زبانی (بافت متن)، واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوط و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی [بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی] را بررسی می‌کند (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۲: ۱۰). در تحلیل انتقادی گفتمان متن اساس و محور واحد تحلیل است یعنی اهمیت در متن است تا جمله و بند؛ زیرا متن محل درگیری نظام‌های تولیدکنندگان آن است که در بستر قدرت‌های متفاوت تولید خواهد شد. این نوع تحلیل به تجزیه و تحلیل انضمامی زبان‌شناختی متن و کاربرد زبان در تعاملات اجتماعی می‌پردازد. نظریه‌پردازانی همچون، فاولر، هاج، کرسی، فرکلاف و داک همگی با وجود اختلاف ناچیز به این امر اتفاق نظر دارند که باید از توصیف زبانی متون فراتر رفت و به تبیین گفتمان‌ها دست یافت و آشکار کرد که نابرابری‌های اجتماعی در زبان خلق و منعکس می‌شوند. اهدافی که رویکرد زبان‌شناسی انتقادی گفتمان در پی آن است برجسته ساختن اهمیت زبان در تولید، حفظ و نگهداری و تغییر روابط اجتماعی قدرت، از جهتی آگاه کردن مردم نسبت به این که چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد. در تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل کلام با توجه به عواملی چون بافت تاریخی،

روابط قدرت در جامعه، ساختارها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی، جهان‌بینی‌ها در شکل‌گیری زبان (کلام، متن) بررسی می‌شود. از طریق کاربرد مسومتر زبان در جامعه این بافت‌ها، روابط، ساختارها، فرآیندها و جهان‌بینی، تثبیت و ماندگار می‌شوند بنابراین بین عوامل و زبان رابطه دوسویه و تأثیرپذیر و متقابل وجود دارد. گفتمان گونه‌ای از پرکتیس اجتماعی است که هم جهان اجتماعی را می‌سازد و هم ساخته دیگر پرکتیس‌های اجتماعی است. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۰۵) به دیگر سخن، گفتمان صرفاً یک پدیده سازنده نیست بلکه در عین حال محصول سایر پدیده‌ها نیز هست و گونه مهمی از پرکتیس‌های اجتماعی است که دانش، هدایت و روابط اجتماعی از جمله مناسبات قدرت را بازتولید می‌کند و تغییر می‌دهد و همزمان سایر پرکتیس‌های و ساختارهای اجتماعی به آنها شکل می‌دهد. (همان: ۱۱۱-۱۱۲) از نظر میشل فوکو «صورت‌بندی‌های گفتمانی اشاره به پیکره‌های نظام‌مند عقاید و مفاهیمی دارند که مدعی هستند آفریننده دانش ما نسبت به جهان‌اند. مثلاً فوکو در گزارش تاریخی از گفتمان‌های علمی بسیار تلاش می‌کند تا اصول متغیر نهفته در این گفتمان‌ها را تبیین کند و چگونگی تولید و تغییر آنها را به فرایندهای سیاسی- اجتماعی وسیع‌تری مرتبط سازد که خود بخشی از آنها هستند.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۶۶).

هیچ نهاد اجتماعی و فرهنگی بدون توجه به قوانین و محدودیت‌هایی که قدرت حاکم وضع کرده نمی‌تولند بیندیشد یا سخن بگوید به این دلیل، گفتمان‌ها پیوند تنگاتنگی با قدرت دارند. فرکلاف تحت تأثیر آراء میشل فوکو تحلیل گفتمان را مجموعه‌ای از ابزارهای روش‌شناختی می‌داند که برای تجزیه و تحلیل گفتار، نوشتار، مصاحبه و مکالمه به کار می‌رود. نظریه فرکلاف متشکل از مفروضات فلسفی، روش‌های نظری، دستورالعمل‌های روش‌شناختی و فنون خاص تحلیل زبانی است. رویکرد فرکلاف متن محور است یعنی تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی، تحلیل جامعه‌شناختی کلان و پرکتیس اجتماعی. فرکلاف در پی پیوند زدن بیان متن از طریق تحلیل‌های زبان‌شناسی، ساختارها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی است. «ساختارهای اجتماعی و مناسبات قدرت به پرکتیس‌های اجتماعی شکل می‌دهند و غالباً افراد نیز از وجود چنین فرآیندهایی بی‌خبرند. نقش سنت تفسیری نیز این است که به ما نشان دهد چگونه افراد از طریق پرکتیس‌های روزمره‌شان به نحو خلاقانه‌ای معانی قاعده‌مند خلق می‌کنند.» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۲). از نظر فرکلاف گفتمان هم سازنده و هم محصول دیگر پدیده‌های اجتماعی است و در سه معنی یعنی یک؛ به شکل کاربرد زبان به مثابه یک پرکتیس اجتماعی، دو؛ کاربرد زبان در یک حوزه خاص مثلاً گفتمان سیاسی، سه؛ گفتمان در موارد انضمامی که قابل شمارش و تفکیک باشد به کار می‌رود. به اعتباری در روش فرکلاف با دو مقوله متن و فرامتن مواجه هستیم یعنی متن مجموعه‌ای از عناصری است که علاوه بر اینکه به یکدیگر مرتبط‌اند کلیتی را می‌سازند که به آن گفتمان می‌گویند و این گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. از دیدگاه او هر متنی را باید در ارتباط با شبکه‌های سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی آن فهمید. تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح بررسی می‌شود. سطح اول؛ گفتمان به مثابه متن که شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله است)

سطح دوم؛ گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (بحث از تولید و مصرف متن)

سطح سوم؛ گفتمان به مثابه زمینه است (متن، تعامل بین مرحله تولید و تفسیر و زمینه اجتماعی). که در سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌شود.

۴-۱-۱ گزینش واژگانی

هر متنی برآیند زبان است؛ زبان یک پدیده ذهنی است ذهن انسان را می‌توان بر اساس طبقات نمادین انتزاعی و آزاد از بافت توصیف کرد. کارکردگرایان زبان را پدیده اجتماعی می‌دانند و به رابطه دو سویه و متقابل زبان و اجتماع تأکید می‌کنند از نظر اینان همانطور که پدیده‌های زبانی اجتماعی هستند، پدیده‌های اجتماعی هم زبانی محسوب می‌شوند. در این رویکرد مقاصدی را که در اجتماع در به کارگیری زبان استفاده می‌شود مورد توجه قرار می‌دهند و این برخلاف فرمالیسم روسیه در قرن بیستم بود که با رومن یاکوبسن به اوج رسید و در پی چستی عناصر سازنده یک متن بود در نظریه فرمالیسم، متن در مرکز و پژوهش‌های علمی، تاریخی، زندگینامه‌ای، جامعه‌شناختی و روانشناختی در حاشیه کار قرار می‌گرفت. فرمالیست‌ها می‌کوشیدند اجزای سازنده متن را از شکل و شالوده آن استنتاج کنند یعنی تأکید آنها بر شکل اثر بود نه محتوای آن.

گفتمان‌ها به صورت صریح یا ضمنی حاوی فرضیه‌های هستند که در تحلیل گفتگو به بررسی کنش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی در گفتار و گفتگو می‌پردازد. یعنی در بررسی ویژگی‌های گفتگو، کنش‌های پیشین و پسین را تبیین می‌کند. آنچه که یک ذهن تحلیل‌گر انتقادی را به خود جلب می‌کند اینست که زبان چگونه در بافت‌های خاص به کار می‌رود، بافت، یک لحظه در گفتگو تا یک دوره تاریخی خاص را شامل می‌شود. تحلیلگران گفتمان بر این موضوع تمرکز می‌کنند که معنا و هویت را از طریق تبیین و توصیف پدیده‌ها به روش‌های مختلف به دست آورند. در تحلیل گفتمان فرض بر این است که متن چند معنی دارد که به دلایل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... یک معنی در اولویت قرار می‌گیرد. متن در یک روی سکه شامل گفته و در روی دیگر، مجموعه کارکردهای فکری- اجتماعی مربوط به آن گفته قرار خواهد گرفت این تلازم گفته و کارکردهای فکری- اجتماعی آن را گفتمان نامیده‌اند. راجز فاولر در روش تحلیل گفتمان ابزارهایی مانند «فرایند مجهول سازی، گفتار مستقیم، گفتار غیرمستقیم با درجات مختلف آن، فرآیند اسم سازی، گزینش واژگان، ساخت تعدی به عنوان مقوله معنایی نه نحوی.» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۲۹). را مؤثر می‌دانست. زلیک هریس به عنوان نخستین کسی که اصطلاح گفتمان را در مقاله‌اش به کار برد، نگاهی صورت‌نگرایانه به متن داشت درحالی که نظراتی پیرامون ساختار متن نیز در رویکرد تحلیل گفتمان مطرح شد. در تحلیل صورت‌نگرایانه، بیشتر به کارکرد یا ساخت جمله، کشف و توصیف روابط بین آن‌ها توجه می‌شود. به عبارت دیگر، تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت است از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است.» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۲).

صورت یا ساختمان زبان را عناصر اصلی آن یعنی آواها، قواعد دستوری و واژگان می‌سازند اما معنا و پیام یک کلام را مجموع صورت‌های ظاهری و عناصر درونی زبان نمی‌سازد بلکه عوامل برونی زبان مانند فرهنگ، اجتماع و موقعیت نیز در تولید معنا و پیام مؤثرند. در این صورت گفتمان از نظر فرکلاف عبارت است از «تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد، پس گفتمان نمی‌تواند به توصیف صورت‌های زبانی جدای از اهداف و نقش‌هایی که این صورت‌ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند بپردازند.» (آفاگلزاده، ۱۳۹۰: ۱۵). با توجه به اینکه فرکلاف در تحلیل متن در مرحله توصیف به چگونگی کاربرد واژگان- ساختارهای صرفی و نحوی جملات و مسائل صوری زبان و روابط معنایی توجه می‌کند در ساقی‌نامه‌بیه عنوان یک متن لیدئولوژیک، آرتمانی با توجه به ارزش‌های تجربی و رابطه‌ای به گزینش واژگان و کلمات

می‌پردازد یعنی در کاربرد کلماتی چون "خدا، ساقی، شیخ مسجد، خراباتی، مستان، صوفیان، کوفیان، فقیهان، زاهدان، مخمور، رندان مست" نه تنها نگرش خود را از هستی و جهان منعکس می‌کند بلکه با گروه‌بندی‌های فرهنگی و اجتماعی، تجربه رابطه‌ای که بیان‌کننده تجربه مشترک خودش با مخاطب است از طریق صفت‌گذاری و عنوان‌دهی به جای اسامی خاص و نام‌گذاری نیز بیان می‌دارد. آرتیمانی از ترکیباتی مانند "عقل آفرینان دیوانه"، "دین به دنیا فروشان"، "بنده باده نوشان"، "حلقه می‌پرستان" که اشاره به عنوان رسمی کارگزاران اجتماعی ندارد برای هویت‌بخشی مقوله‌ای استفاده می‌کند. عقل آفرینان دیوانه که با ترکیب تناقضی بین عقل و دیوانه ارتباط انفصال‌ناپذیر برقرار می‌کند گویای جهان ارزش‌پذیر عین حال متناقض شاعر است و در مقابل، دین به دنیا فروشان بر مبنای اندیشه‌ای است که بیانگر طبقه اجتماعی مورد نهدی و رد‌گوینده است. آرتیمانی با عینی کردن شخصیت مشروب نوشان از طریق تعابیری چون بنده باده نوشان، حلقه می‌پرستان، رندان مست، به بازنمایی و بازتولید ارزش‌های تجربی پرداخته است از طرفی از طریق استعاره‌هایی چون گلخن (این جهان)، پیمانانه (وجود مادی)، کلفت مدرسه (علوم ظاهری)، میخانه وحدت (آن جهان) گفتمان توحیدی و ایدئولوژی معنوی خود را آشکار می‌سازد. این تعابیر در عینی کردن ارزش‌های تجربی و رابطه‌ای در بافت متن نقش عمده دارد. در این ترکیبات هر واژه به تنهایی بار معنای و مفهوم اولیه بی‌نشان است که با ترکیب جزء دیگر بر مفهوم آن افزوده می‌شود به عبارتی یعنی اگر معنی دو جزء میخانه وحدت را در نظر بگیریم هر کدام یک مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند اما در کنار هم قرار گرفتن این دو واژه سبب افزایش معنی در هر کدام می‌شود یعنی این ترکیب علاوه بر بسط صوری، بسط مفهومی نیز می‌یابد. از منظر سوسور، در بین نظام‌های نشانه‌ای زبان بر دیگر نشانه‌ها ترجیح دارد زیرا نظامی است که تشخیص معانی را میسر می‌کند و درک مفاهیم را ممکن می‌سازد. (دینه سن، ۱۳۸۰: ۲۱). به اعتقاد ویهر کدام از واحدهای زبانی به سبب ارزش‌های متفاوتشان از یکدیگر متمایز می‌شوند و می‌توانند از طریق مجموعه‌ای از روابط مشخص کشف شوند و به توصیف درآیند. واژه "می" در نظام معنایی زبان از نظر سوسور دارای ارزش زبانی است و نشانه‌ای است که دلالت بر مدلولی مشخص دارد. در صورتی که پیوند بین دال و مدلول اختیاری باشد روابطشان در ارتباط با دال و مدلول‌های دیگر معنای خاص می‌یابد. (Saussure, 1971: 133). شراب در ساقی‌نامه تنها در مفهوم مصداقی خود و در دنیای بیرون دلالت نمی‌کند بلکه در بافت متن و در ارتباط با واژگان و مفاهیم دیگر مانند ساقی، خدا، میخانه وحدت، خرابات، وجد و سماع مفهومی ذهنی نیز می‌یابد که نشان‌دهنده رابطه تعاملی زبان استاز نظر سوسور زبان مانند یک سیستم نظام‌مند است که اجزای آن رابطه‌ای هستند در نتیجه از نظر معنا به هم وابسته‌اند. (Benveniste, 1971: 48). و از نظر وی این رابطه زبانی رابطه قراردادی است و نه ماهوی و به هیچ وجه نمی‌توان گفت این مفهوم با آن مصداق یک رابطه جوهری و ماهوی دارد. (تاجیک، ۱۳۷۸: ۲۱). آگوینده به بیان ارزش‌های رابطه‌ای با گزینش ترکیباتی همچون "کلفت مدرسه" به ارزش‌های تجربی نیز پرداخته است زیرا با انتخاب این ترکیب به جای ترکیب "بندگی نفس" و "بردگی دنیای مادی" از نوعی جهان‌بینی مشترک بین مولد و مخاطب متن حکایت دارد که آن برآیند همزیستی در جامعه‌ای همسان است.

در استفاده از ضمیر، آرتیمانی در جملات امری به ساقی (ازلی یا میخانه‌ای) خواهش و تمنا می‌کند و به مخاطب دوم شخص در مقام دانای کل آگاه و رازدان توصیه می‌کند. شاعر در بیشتر موارد به دلیل غلبه روح جمعی و اجتماع محوری، از ضمیر جمع استفاده می‌کند.

بیا تاسری در سر خم کنیم من و تو، تو و من، همه گم کنیم (آرتیمانی، ۱۳۷۲: ۵) کاربرد ضمائر به جای اسامی نیز در چگونگی ساخت جهان‌نگری شاعر کمک می‌کند همانطور که در بیت زیر گوینده از موضع هویت شخصی با جمع بستن خودش با مخاطبان متن به هویت جمعی دست یافته است. آرتیمانی با کاربرد ضمیر ما در مقام یک عضو گروه اجتماعی صحبت می‌کند نه به عنوان فرد و از این طریق به هویت‌سازی اجتماعی در ساختار روابط اجتماعی می‌پردازد.

پریشان دماغیم؟ ساقی کجاست شراب ز شب مانده باقی کجاست (همان: ۴) شاعر با مخاطب قرار دادن ساقی و خود که در آخر به شکل هویت "رضی" نمایان می‌شود در حقیقت گروهی از یک طبقه یا طبقات اجتماعی را مورد خطاب قرار می‌دهد. این گروه زاهدان و بی‌خبراند. انتخاب واژه‌ها بر مبنای معادل بودنشان، مشابهت یا عدم مشابهتشان و مترادف بودن و متضاد بودنشان روی می‌دهد. (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۹) شاعر با بیان اسامی خاص مانند "اسکندر" و "سلیمان" و تقابل آن با شاه عباس و با ارزش‌گذاری و نشان دادن جایگاه آنها در مقام فرودست، مخاطب را به تکریم قدرت سیاسی که مقامی فرادست دارد ترغیب و تشویق می‌کند. و با دعا و تمنا، خواهان پایداری چنین گفتگویی است.

نگهدار این دولت از چشم بد بکش مد اقبال او تا ابد (آرتیمانی، ۱۳۷۲: ۱۳) آرتیمانی با ذکر تعبیری مانند دردی کش لجه کبریا و عنوان دهی به مقام فرادست دینی (اسلامی) یعنی حضرت محمد (ص) و در و ساقی کوثر برای مقام فرادست مذهبی (شیعی) یعنی حضرت علی (ع) و برتری آنها بر وجود خودش به عنوان یکی از مقام‌های فرودست دینو ارجحیت آنان بر دیگر طبقات به منظور تأکید بر گفتگان عرفانی خود با چنین هویت‌بخشی، ارزش‌های بیانی خود را نیز آشکار می‌سازد.

۲-۱-۴ چارچوب متفاوت جملات

زبان از طریق بازنمایی اعمال و تفکرات گویشوران خود زنده می‌ماند به این دلیل استفاده از مدل‌های متعدد و متنوع جملات در بازنشانی گفتگانها نقش عمده‌ای دارد فرکلاف طبق نظریه زبان شناختی هالیدی، جملات را در بافت موقعیت مورد بررسی قرار می‌دهد که شامل مؤلفه‌هایی چون مشارکان که همان سوژه‌ها و شخصیت‌ها هستند. کنش مشارکان، اشیاء و رخدادهای مربوط به آن می‌باشد. از نظر دستور نقش‌گرای هالیدی زبان نقش مهمی در بافت ارتباطی و جهان خارج بر عهده دارد. (Halliday and Matthiesson, 2014: 10). کنش و حالات و وضعیت‌های متغیر در زبان در نهایت به تولید معنا منجر می‌شود. معنا در زبان به سه شکل فرانش اندیشگانی (تجربی)، بینافردی و متنی تجلی می‌یابد. فرانش اندیشگانی «بازنمایی عملی یا چیزی [فکر، احساسات، اعمال...] است که فعالیتی بر اساس آن انجام می‌شود.» (هالیدی، حسن، ۱۳۹۳: ۵۶). هالیدی به تفسیر فرآیندها در جمله و متن اهمیت می‌دهد؛ فرایند به یک رخداد، کنش و اعمال و گفتار گفته می‌شود و به تناسب معنا، مشارکین ویژه‌ای دارد و شامل فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی، رفتاری، کلامی، وجودی است که سه مورد اول اصلی و سه مورد بعدی فرعی است. (Halliday, 1985: 138). آرتیمانی با بیشترین کاربرد در فرایندهای مادی یعنی حدود ۵۹٪ بر وجود کنش‌گر و وقوع کنش تأکید می‌کند از این میزان فرایندهای مادی، ۴۲٪ آن

جملات گذرایی و ۱۷٪ جملات ناگذر می‌باشند. چنین افعالی بیانگر اعمال فیزیکی و بیرونی است. کنشگر در اغلب ابیات شراب است که کنش‌پذیرهایی چون انسان و حال و احوالات او، اشیاء، طبیعت و جهان پیرامون را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. کنشگری که در طول تاریخ متأثر از قدرت و جامعه همواره مورد نهی و نقد گروه‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی قرار گرفته است. اما در شعر آرتیمانی با وجود گفتمان مقابل عرفان یعنی تشیع نوید دهنده جامعه آرمانی و ایده‌آل است موقعیتی که همه در آن شادی و خوشبختی را تجربه می‌کنند. جامعه‌ای که می‌خواهد از ریا و تزویری که در آن غرق شده نجات یابد. رسالت شراب در چنین جامعه‌ایاز منظر شاعر، آگاهی‌بخشی و بیدارکنندگی می‌شود.

مگو تلخ و شور آب انگور را که روشن کند دیده کور را (آرتیمانی، ۱۳۷۲: ۹) فرآیند رابطه‌ای پس از فرآیندهای مادی که حدود ۳۲٪ را تشکیل می‌دهد به دنبال توصیف آبه‌ای است که موقعیت و مقام سرخوشی و شادی را برای جامعه و مردم به ارمغان می‌آورد و آن منبعث از گفتمان عرفانی عصر صفوی است. در فرایندهای رابطه‌ای که از طریق فعل اسنادی به هم نسبت داده می‌شود برای توصیف موقعیت‌ها مختلفی که نوشیدن شراب ایجاد می‌کند به کار می‌رود.

از آن می‌که روح روانست و بس از آن می‌که اکسیر جانست و بس (همان: ۹) فرایند ذهنی که مربوط به ویژگی‌های حس کردنی و ادراکی استو چیزی است که در درون ذهن اتفاق می‌افتد با ۹٪ کمترین کاربرد را در ساقی نامه دارد و بیانگر شفافیت و صراحت نویسنده در بیان مقصود مورد نظر بوده است و به صراحت به تأثیر شراب مادی به ویژه معنوی در جامعه و روحیات و حالات افراد اجتماع اشاره می‌کند. نکته قابل ملاحظه در ساقی نامه آرتیمانی کاربرد جملات امری چه در شکل دعا، خواهش و چه به قالب توصیه و نصیحت است کارگزار اصلی در اغلب جملات ابیات، ساقی است کسی که هم در هیبت عامل اجتماعی هم ماوراءالطبیعی و هم روحانی نمود یافته و گوینده مخاطبانش را به هم‌نوایی با خویش و درک ذهنی از دنیای پیرامونش فرا می‌خولند و تأکید می‌کند که برای ایجاد تحول به تغییر نگرش و زاویه دید باید رسید.

در فرانش بین‌فردی هر بند به مثابه یک تبادل ارتباطی است که از تعامل گوینده یا نویسنده یا شاعر با مخاطب شکل می‌گیرد در واقع از نقش‌های زبان در روابط اجتماعی است که در نظام فرانش بین‌فردی زبان جای می‌گیرد و جمله از نظر وجهیت فعل، مورد بررسی قرار می‌گیرد به این دلیل که وجهیت فعل نگرش گوینده را درباره یک گفتمان مشخص می‌کند و نوع روابط میان افراد و مناسبات اجتماعی را مشخص می‌سازد. با موشکافی در جملات به کارگرفته شده ساقی نامه به عنوان متن گفتمان‌مداروبا شناخت عوامل صوری و مؤلفه‌های معنایی جملات، افعالی که دارای وجه التزامی یعنی تعامل، دعا، قسم و خواهش، امید و آرزو و توصیه است در این شعر با ۸۰٪ بیشترین کاربرد را دارد که بیانگر عدم قطعیت و احتمال و حتمی نبودن گفته‌های شاعر را می‌رساند زیرا آرتیمانی در مقام و موقعیت یقین و اطمینان قرار ندارد و همین عدم اطمینان و قطعیت که از گفتمان صوفی‌گری و عرفانی او که مورد نقض مذهبیهون عصر صفوی مانند علامه مجلسی است حکایت دارد. گزاره‌های به کاررفته در قالب تمنا از ساقی ازلی و توصیف شراب در کنار بیان ویژگی و خواص آن بیشترین مضمون را در ساختار ساقی‌نامه تشکیل می‌دهد. جملات شرطی و تکرار شونده در ابیات متعدد ساقی‌نامه مبین امری ذهنی از منظر شاعر است که قدرت اثبات قطعیت آن را در آن مقام ندارد.

جملات خبری به کار گرفته شده با توجه به میزان مقید بودن آنها ۲۰٪ را تشکیل می‌دهد جملاتی که بار کنشی دارند بیانگر پویایی و حرکت است و این پویایی مبین ارزشگذاری‌های رابطه‌ای گوینده است که با کنشگر (ساقی - شراب) و مخاطب به عنوان عامل و کارگزار اجتماعی تعامل ایجاد می‌کند. گفتمان عرفانی شاعر و سیر رسیدن به تکامل، نیازمند کنش‌های گفتاری، رفتاری و ... است و این امکان‌پذیر نیست جز در ارزشگذاری‌های بیانی که مشترک بین گوینده سخن و مخاطب است. گوینده در جملات خبری توصیه، نصیحت، پند، اندرز می‌کند و به توصیف می‌پردازد و با استفاده از عوامل پیوند، انسجام و استحکام بین جملات را با شرط، ربط، تغییر واژگان، تکرار و تأکید برقرار می‌سازد. از طرفی آرتیمانی با نگرشی انتقادی در مقام اقناع گروه‌های اجتماعی مختلف همچون زاهدان، فقیهان، ریاکاران و ... که آنان را با استعاره‌ای هم‌ردیف کوفیان آورده است، برتری خودش را به عنوان مقام فرادست تثبیت می‌کند.

جملات امری هم که بیشتر از وجه التزامی بیان شده است اگر چه از عجز او در مقابل خود حکایت می‌کند اما قدرت او در مقام اقتدار و در جایگاهی نشان می‌دهد که می‌تواند به ساقی در تمام نگاره‌ها، امر به شراب کند و در نهایت در جملات امری نیز از وجه التزامی بهره می‌گیرد به این دلیل که وقوع فعل در این جملات با وجود تحقق‌پذیری حقیقی نیستند.

بزن هر قدر خواهیم پا به سر - سرمست از پا ندارد خبر (همان: ۴)

۲-۴. پرکتیس گفتمانی (تفسیر)

در تحلیل انتقادی گفتمان، ایدئولوژی، وسیله حفظ و ایجاد روابط نابرابر قدرت در جامعه است که زبان برای انتقال این امر نقش اساسی ایفا می‌کند، در حقیقت زبان به صورت واسطه‌ای در میان نهادهای اجتماعی قرار می‌گیرد و جریان حفظ مناسبات قدرت را برعهده گرفته تا این روابط در ساختار اجتماعی و حکومتی را طبیعی و نرمال جلوه دهد. به عبارت دیگر این ساخت‌های ایدئولوژی است که با قرار گرفتن در لایه‌های زیرین زبان به صورت غیرمستقیم در جامعه نمود یافته و امکان عرضه می‌یابد تا مناسبات نابرابر قدرت را توجیه کند. ایدئولوژی راه‌های است که مردم بر اساس آن زندگی می‌کنند. از نظر فرکلان زمانی یک ایدئولوژی گروه اجتماعی خاص بر سایر ایدئولوژی‌ها غلب می‌شود که از طریق نهادهای اجتماعی، سیاسی صاحب نفوذ و قدرت مانند دولت، قانون، حقوق و ... در جامعه تثبیت شود. ایدئولوژی در زبان شناختی «به مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های عمومی گفته می‌شود که ممکن است اشخاص از آن خودآگاهی نداشته باشند» (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۹) ایده کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچگاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به همراه دارد. وظیفه تحلیلگران گفتمان نشان دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی است. «یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۴۴) از نظر فرکلان ایدئولوژی عبارت است از معنا در خدمت قدرت. ایدئولوژی‌ها از معانی که تولید، بازتولید و مناسبات را دگرگون می‌کند ساخته شده است. به مثابه پدیده‌ای که در پرکتیس گفتمانی ریشه دارد و ملهم از نگرش جان تامپسون به ایدئولوژی است از دیدگاه تامپسون ایدئولوژی پرکتیسی است که درون نظریه‌های تولید معنا در زندگی روزمره رخ می‌دهد و معنا را به نحوی به خدمت می‌گیرد که روابط قدرت را حفظ کند. (همان: ۱۲۷). در این مرحله از تحلیل آنچه از متن به توصیف

درآمده در ارتباط با بافت موقعیت تفسیر می‌شود و محوریت موضوع بر ژانرها و گفتمان‌های موجود در متن و نحوه به کارگیری و مصرف آنها توسط مخاطبان است. در این مرحله سرنخ‌های به دست آمده از ویژگی‌های صوری متن سبب فعال شدن دانش زمینه‌ای یعنی پیش فرض‌های ایدئولوژی گفتمان در ذهن مفسر می‌شود. در این بخش مفسرین از دانش زمینه‌ای و معناشناختی به معانی تلویحی کل گزاره‌ها خواهند رسید. به عبارتی از طریق نشانه‌های صوری به پیش فرض‌های که اغلب خصلت ایدئولوژیک دارند می‌رسند. مرحله تفسیر مرحله آشکارسازی است زیرا «متون بر اساس پیش فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش زمینه‌ای) که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر می‌شوند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۴). در این سطح، پیش فرض‌هایی که در مجموعه متن پی‌ریزی شده است در سطح ظاهر (شامل دانش زبانی با توجه به دانش زمینه‌ای، عناصر صوری زبان مانند نظام آوایی، دستور و واژگان) و با توجه به معنای کلام (یعنی فهم معانی تلویحی گزاره‌ها)، و به کمک ارتباط معنای بین گفته‌ها و چارچوب متن مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارتی محتویات و مضامین به همراه ذهنیت مخاطب و مفسر از طریق دانش زمینه‌ای و پیش فرض‌ها روابطی متقابل و دیالکتیکی را نشان می‌دهند.

۱-۲-۴. گفتمان‌های ساقی‌نامه آرتیمانی

ساختار ساقی‌نامه در قالب مثنوی است با ابیاتی جداگانه تا راه را برای شاعر جهت بیان انواع گفتمان‌های موجود در جامعه با قوافی مختلف هموار کند. گفتمان توحیدی در ابتدای بیت با خطاب به الهیت و قدرت خالق برتر بیان می‌شود. که در ابیات بعد با استعاره ساقی بسط مفهومی می‌یابد و در همه این ابیات از وجه التزامی استفاده می‌کند شاعر، خداوند را در هیبت ساقی متجلی می‌کند تا درخواستش را راحت‌تر به او عرضه کند. این گفتمان در کل ساختار ساقی‌نامه از طریق روابط معنایی متضاد جریان دارد به طور مثال در همان بیت اول "مستان" در مقابل "عقل آفرینان دیوانه" که در خود ترکیب اخیر نیز این تناقض دیده می‌شود. تقابل‌های زبانی آرتیمانی مانند زاهد و مست، مسجد و میخانه، جسم و جان، گدا و پادشاه، خودمحوری و خدامحوری، برون سفید و درون سیاه، بهشت و دوزخ و ... بیانگر اجتماع متناقض با ایدئولوژی‌های متناقض است. چنین تقابلی بین ایران و انیرانی و مذهب سنی و شیعه و دین و عرفان عصر صفوی وجود دارد. کاربرد واژگان متضاد و متناقض موضع خاص ایدئولوژیک آرتیمانی را بیان می‌دارد.

همه گرگ‌مانا همه میش پوست همه دشمنی کرده در کار دوست (آرتیمانی، ۱۳۷۲: ۸) گوینده در ابتدای قائل به درخواست و خواهش از مقام فرادست ایدئولوژیک دینی یعنی خالق یکتاست سپس زبان توصیف آن را بسط می‌دهد و به وصف شراب می‌پردازد و آن را از مقوله‌ای عینی به مقام ذهنی می‌رساند تا درخواستش را توجیه کند و با خطاب قرار دادن ساقی در کارکرد چندگانه‌اش در این متن از اقتناع مخاطب عبور می‌کند. ساقی عامل و کنشگر ذهنی گوینده است که گاه در مقام همتراز نیروی فرادست ایدئولوژیکی بالا می‌رود و گاهی از دنیای ذهنی بیرون آمده و عینیت می‌یابد.

استدلال گوینده در توجیه امری خلاف گفتمان شرعیت و مذهب بیانگر دغدغه گوینده در بیان و تأثیر بر کارگزاران اجتماعی است. گوینده با پند و نصیحت و توصیه به وحدت اندیشی، خدامحوری و بودن در طبقه صوفیان که قشر مورد

پذیرش بخش عظیمی از جامعه است را مطرح می‌کند. شراب، فاعلی کنشگر و پویاست و قابلیت‌های متعددی دارد از بی اعتباری دنیا و تأثیر افلاک بر سرنوشت انسان سخن می‌گوید تا نقش قدرت حاکم را بی‌اهمیت نشان دهد.

گفتمان دیگر شاعر که در ابیات ابتدایی جلوه می‌کند گفتمان مذهب تشیع است که مکمل گفتمان دینی و توحیدی اوست. توالی ذکر نام خداوند در بیت اول، حضرت محمد(ص) در بیت دوم، ساقی کوثر یعنی امام علی(ع) در بیت سوم مبین تقید مذهبی و ایدئولوژیک آرتیمانی است. قابل ذکر است که دولت صفوی بر اساس مذهب تشیع بنیانگذاری شد و این ایدئولوژی به مرور زمان با حیات طریقت صفوی و عرفانی که سرمنشأ قدرت حکومت صفوی بود در تعارض قرار گرفت. گفتمان شیعی آرتیمانی ارادت او را به حضرت محمد و امام علی به عنوان ادامه دهنده راه نبوت آشکار می‌سازد. چنین گفتمانی به او اجازه می‌دهد تا سگ شخص اول قدرت سیاسی را با سگ شاه نجف یعنی امام شیعیان یکی بداند.

سگش بر شهان دارد از ان شرف که باشد سگ آستان نجف(همان: ۱۳) در مذهب تشیع حکم نوشیدن شراب حرام و ازدید قرآن رجس و پلیدی است درحالی که چنین گفتمانی از آرتیمانی بیانگر جهت عرفانی و زبان تمثیلی و سمبلیک را نشان می‌دهد. گفتمان عرفان عاشقانه و نه زاهدانه آرتیمانی با واژه‌هایی چون فنا، یقین، وحدت وجود، ترک مسجد و خانقاه و ترجیح میخانه بر آن آشکار می‌شود یا هنگامی که از منصور حلاج نام می‌برد یا زمانی که واژگان میخانه، سماع و مطرب و مغنی و می را بر مسجد، زهد و عقل برتری می‌دهد و به شکل تقابلی بیان می‌دارد. استفاده از میخانه، خرابات، باده و مستان و سرمستان به شکل استعاری و سمبلیک عرفانی بیانگر ارزش‌های تجربی و بیانی شاعر است که خود به تجربه و در پیوند مشترک با مخاطبانش در یافته است زیرا از گفتمان سمبلیک عرفان ادبیات فارسی پیروی می‌کند به این دلیل کاربرد نمادین او از عینیات موجود در متن مغایرتی با گفتمان عرفانی موجود در جامعه‌اش ندارد.

چشوی گر از این باده هو هو زنی شوی چون ازو مست کو کو زنی(همان: ۴) برو کفر و دین را وداعی بکن به وجد اندر آ و سماعی بکن(همان: ۸) آرتیمانی به دلیل زیستن در حکومتی مذهبی عصر صفوی و عباس شاه و نزدیکی به دربار و قدرت حاکم اندیشه‌های صوفیانه و عارفانه خود را که مبتنی بر عرفان عاشقانه و رندانه و مذهب شیعه است گزاره‌های متعددی از گفتمان‌های عرفانی و اجتماعی ارائه کرده است و ساختار سخن خود را از طریق قالب مثنوی که شناخته‌ترین قالب در بیان مواعظ و حکمت است و مخاطب و شنونده را آماده شنیدن سخنان حکیمانه می‌کند و مضامینی چون ریاستی، خویش‌شناسی، رهایی از منیت‌های نفسانی و امیال را در قالب ساقی نامه بیان داشته است.

مهمترین تقابل گوینده با کارگزاران اجتماعی تقابل با گروه منافقین، اهل زرق و مکر است. ریاکاری در جامعه به واسطه تظاهر به دین‌داری و اجرای ظواهر شریعت رواج دارد زیرا مردم بدون توجه به درون و باطن، شخصیت‌های متناقض و چندگانه دارند و گوینده در بافت متن به انتقاد از مسجدیان و زاهدان بی‌خبر می‌پردازد که آنان را خامان افسرده دل نامیده است.

گروهی همه مکر و زرق و حیل همه متفق با هم اندر نفاق
 همه مهربان بهر جنگ و جدل (همان: ۸) به خوشی اندر جهان جمله طاق (همان)
 که افسرده صحبت زاهدم خراب می و ساغر و شاهدم (همان: ۹)
 چه درمانده دلخ و سجاده‌ای مکش بار محنت، بکش باده ای (همان)
 مکن قصه زاهدان هیچ گوش قحح تا توانی بنوشان بنوش (همان)
 مفروضات نهفته در ساقی‌نامه آرتیمانی که طبیعی شده‌اند به شکل گزاره‌های تلویحی در بازتولید ساختارهای اجتماعی در گفتمان‌ها مؤثرند. آرتیمانی به عنوان یکی از فاعلان اجتماعی تحت تأثیر ایدئولوژیک عرفانی و مذهب تشیع، به طبیعی سازی گفتمان دست زده است. وی به صراحت از ساقی به عنوان یک کارگزار اجتماعی شراب می‌خواهد و آن هم با به گردش درآوردن شراب که به عنوان گزاره‌ای تلویحی نمودار امری عادی و عمومی است گفتمان نمادینگی شدن عرفان را طبیعی جلوه می‌کند. یکی دیگر از گزاره‌های تلویحی در سخن آرتیمانی نهفته است و بیانگر احساساتی چون اندوه، پریشانی و دلزدگی است که بر این اجتماع بودن گوینده با تعداد بسیاری از این گروه اجتماعی یعنی افسرده دلان زاهد، شیخان مسجد ریاکار و منافق است که ناگزیر به تعامل با آنهاست. از دیگر گزاره‌های تلویحی متن شعر، پاک نبودن انسان و عدم مصونیت بشر از شر و آلودگی است. توصیف شراب و بیان مکرر و بار بار پی و ویژگی و خاصیت شراب و متمایز کردن آن از یک آیزه محرومیت زنا و گناه‌آلود بیانگر توجه وی در ایدئولوژی‌های است که دنبال می‌کند.

۳-۴. پرکتیس اجتماعی (تبیین)

در این سطح از تحلیل گفتمان، ساختار اجتماعی و روابط فرهنگی و مناسبات قدرت در شکل‌گیری گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد تا تأثیر شکل‌گیری این عوامل بر متن و کردار گفتمانی و تعامل آن در بازتولید روابط اجتماعی و بر عکس نشان داده شود. در این مرحله، گفتمان به مثابه یک کردار اجتماعی توصیف می‌شود و به تأثیر ساختارهای اجتماعی در جهت دهی گفتمان تأکید می‌شود. این تأثیر ممکن است گفتمان جاری را تثبیت کند یا تغییر دهد. قدرت در این نوع تحلیل، در بافت گروهی و اجتماعی آن مد نظر است و اشکال متفاوت قدرت فردی محلی از اعراب ندارد مگر آن که قدرت فردی بر عضویت در گروه‌های اجتماعی استوار باشد به بیانی دیگر قدرت بر دسترسی ممتاز و تبعیض‌آمیز به منابع ارزشمندی چون ثروت، شغل و پایگاه اجتماعی استوار است. اما آنچه در تحلیل انتقادی گفتمان مطرح است، نفس قدرت نیست بلکه سوء استفاده و بهره‌گیری نامشروع از قدرت است که سبب سلطه گروهی بر گروه دیگر می‌شود. در نتیجه برای ایجاد تمایز از اشکال استفاده نامشروع و قابل قبول آن از تعبیر سلطه استفاده می‌شود در واقع تعبیر سلطه از قدرت زمانی به کار می‌رود که از قدرت اجتماعی برای پیشبرد اهداف و منافع گروهی به شکل نامشروع استفاده شود و در نهایت به نابرابری‌های اجتماعی بیانجامد. بدین خاطر در این بخش به روابط و مناسبات قدرت توجه می‌شود تا مشخص شود که چگونه روابط قدرت در سطوح مختلف به شکل دادن گفتمان می‌انجامد؟ در این سطح، موقعیت متن به عنوان یک کنش اجتماعی تبیین می‌شود لذا توجه به گفتمان غالب در این دوره از تاریخ بسیار حائز اهمیت است.

حکومت صفویه نقطه عطفی در تاریخ ایران پس از اسلام است زیرا به فرمانروایی قرن‌ها بیگانگان از ایران پایان داد و حکومتی مستقل با هویت ایرانی شکل گرفت. شاهان صفویه قدرتشان را بر پایه سه امر بنیان گذاشتند: گفتمان نظریه حق

مغنی نوای دگر ساز کن دلم تنگ شد مطرب آواز کن (آرتیمانی، ۱۳۷۲: ۶)

ز قطره سخن پیش دریا نکن حدیث فقیهان بر ما مکن (همان)

قدرت در حکومت صفویه با در پیش گرفتن گفتمان مذهب شیعی اثنی اشعری و توسل به خاندان امام علی (ع) رنگ و بوی الهی یافت و این درحالی بود که حدود دو سوم سپاه و لشکر نظامی شاه که در به قدرت رساندن او نقش عمده داشتند سنی بودند. دلیل این امر رقابت شاه ایران با عثمانی‌ها بود که نماینده مذهب سنی و رقیب و تهدید برای مرزهای شرقی ایران و در حقیقت پادگفتمان حکومت صفوی شناخته می‌شدند. به تدریج حکومت صفوی، همت خود را صرف از بین بردن اختلافات عقیدتی کرد و خواهان همگونی فکری تمام مردم ایران شد. در ساختار اجتماعی عصر صفوی که ساختی هرمی داشت؛ شاه به عنوان فرمانروایی نیکوکار، دارای فر ایزدی بود که آن را با جانشینی امام غایب (ع) تلفیق و قدسی ساخته بود. در مراتب بعدی، ارکان دولت بودند به این صورت که در رأس آن، وزیر ملقب به اعتمادالدوله قرار داشت و در مراتب پایین‌تر، مردم عادی شامل دهقانان روستایی - صنعتگران و دکان‌داران و تجار بودند. در این میان روحانیون مذهبی شیعه نیز حضور داشتند که با قدرت گرفتن شاه اسماعیل مشروعیت سیاسی گرفته بودند و به عنوان گروه رابط و حفاظی مابین قدرت سیاسی و مردم عادی قرار داشتند. از طرفی در ارکان دولت ترکمن‌های قزلباش که اهل شمشیر بودند با ایرانیان یا همان تاجیک‌ها که اهل قلم بودند تعارض داشتند. این دوگانگی در طبقات پایین‌تر جامعه یعنی بین قبایل ترکمانان و دهقانان ایرانی نیز وجود داشت. ترکمن‌ها گله دار بودند و دهقان‌ها کشاورز و میوه انگور به وفور با کیفیت عالی کشت می‌کردند. «منع اسلام در مورد نوشیدن شراب گهگاه و آن هم بولهوسانه تحمیل میشد شراب به زور عمده به وسیله یهودیان و ارامنه تهیه می‌شد و به مقدار زیاد مورد مصرف درباریان و حتی گهگاه افراد طبقات دیگر قرار می‌گرفت.» (سیوری، ۱۳۸۵: ۱۸۵). شراب در ضیافت‌های دولتی و مهمانی‌های شاهان صفوی نمود افسانه‌ای داشت به طوری که از نظر آنان و با اسلام مذهبی اثنی اشعری آنها منافاتی نداشت.

در این عصر با تقابل دو گفتمان دین سالار و دیوانسالار مواجه هستیم؛ قزلباش‌های ترکمن که هویت غیر ایرانی داشتند و مردان شمشیر بودند با ایرانیان که اهل قلم و صاحب مناسب دیوانی بودند توازن قدرت سیاسی برقرار شد. از طرفی یکی از پایه‌های ارکان صفویان گروه اختصاص بودند که تحت عنوانی جدید و برساخته شاه منصب وکیل نفس نفیس همایونی به سرآمد آنان واگذار شد. اما پس از شکست در جنگ چالدران و خطر قوت گرفتن این دو گفتمان قدرت این دو جناح به هوشمندی تقلیل یافت به این صورت که در جناح مذهبیون، مقام وکیل که جانشین شخص اول قدرت بود به وزیر و مقام امیرالامرای یا فرماندهی کل از جناح قزلباشان ترکمن حذف شد. شاه عباس نیز به تجدید سازمان اداره کشور و تحول اجتماعی پرداخت و نظم اجتماعی نوینی که تنها معیار پیشرفت و وفاداری به شاه بود اجرا کرد. وی وجه دین سالارانه حکومت را تقلیل داد و طریقت صفویه به شکل تشکیلات اجتماعی-مذهبی به نام فتوت به راه خود ادامه داد. از طرفی تعهد صفویان به تشیع با شعارهای عمومی چون اقرار عمومی به شیعه، اعدام پراکنده سنی‌ها و لعن خلفا و مخالفت با عثمانی ادامه داشت.

یکی از گفتمان‌های این عصر فقه شیعه به منظور منزوی ساختن طریقت عرفانی صفویه بود نخستین کسی که با گرفتن امتیازاتی از شاه اسماعیل زمینه را برای جلب فقهای شیعی فراهم کرد علی بن عبدالعالی کرکی متولد ۹۴۰ق بود که فرمان فقهی ولایت فقهی را از شاه گرفت و اعتبار آن چنان پیش رفت که نماینده امام غایب شد و در مناصب دینی سیاسی علیه

صوفیان می‌نوشته گفته‌اند لایپدوس تشیع در این دوره با تلفیق آراء عرفانی و فلسفی و بزرگداشت امامان شیعه همراه بود که صورت جدیدی از اسلام فقه‌ای عرفانی و مردمی را به جامعه نشان می‌داد. (لایپدوس، ۱۳۷۶: ۳۹۹). از طرف دیگر به تدریج مقام شیخی که مخصوص طریقت بود از تصوف جدا شد. در عصر شاه عباس، مذهب رسمی با سه موضوع عمده و بنیادی سروکار داشت: تناقض با تصوف و محکومیت آن، تدوین مبانی فقهی، رواج الهیات تازه مجلسی که در همگونی با احساس و باورهای عامه بود. (تشکری، نقیبی، ۱۳۹۳: ۵۶).

به دری کی عرش است او را صدف به ساقی کوثر به شاه نجف (آرتیمانی، ۱۳۷۲: ۲)
رضی روز محشر علی ساقی است مکن ترک می تا نفس باقی است (همان: ۱۳)
اختلاف بین طریقت تصوف و علمای شیعه سبب بروز نهضت‌هایی با حمایت قزلباشان متصوفه شد. که برای حکومت مرکزی چالش به وجود می‌آورد و شاه خصومت مجتهدان با عقاید افراطی طریقت را که مانعی در تغییر نهادینگی تشیع امامی در عوام جامعه بود دستاویزی برای سرکوب آنها کرد تمایلات افراط‌کارانه صوفیان برای به دست گرفتن قدرت، خطری علیه حکومت شد و در مبارزه تصوف با تشیع، شیعیان پیروز شدند و تصوف از جایگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افتاد. (الشیبی، ۱۳۸۵: ۳۹۹) جریانی که اگر در عرصه سیاسی تضمینی بر قدرت متمرکز شاه بود در زمینه اجتماعی نیز بستری برای مجتهدان فراهم می‌آورد تا در افول نظریه تقدس پادشاهی و شکست طریقت صفوی عملاً مسیر شریعت را از طریقت متمایز سازند.

نتیجه‌گیری

با بازخوانی چند باره ساقی‌نامه آرتیمانی از منظر تحلیل گفتمان با رویکرد فرکلاف ظرفیت‌های زبان شناختی و معناسازی متن روشن شد. طبق این رویکرد، تناقض و تضاد در روابط معنایی مهمترین عامل معناسازی در متن ساقی‌نامه بود به عبارتی، از بین سطوح مختلف تحلیل فرکلاف، در سطح توصیف، شاعر با گزینش واژگان متضاد و متناقض از ابتدای متن تا ابیات پایانی روابط معناداری را در ارتباط مناسبات قدرت و روابط اجتماعی نشان می‌دهد به این شکل که هر چقدر تناقض ایدئولوژیکی در اجتماع و ساختار قدرت بروز می‌کند در واژگان نیز نشان داده می‌شود. در سطح توصیف، با نقد صوری متن و عناصر زبانی و با توجه به بافت متن به میزان تأثیر متن (ساقی‌نامه) به عنوان رسانه ادبی - اجتماعی می‌توان پی برد یعنی تناسب گفتمان مشترک جامعه متصوفه با ایدئولوژی حاکم در مناسبات قدرت و سیاست دینی حکومت صفویه که مبتنی بر مذهب تشیع است. عرفان متشرعانه آرتیمانی همسو و هم جهت با قدرت حاکم استتسلط گفتمان متشرعانه تشیع سبب طرد گفتمان سنت و به دنبال آن طریقت صوفیانه شده بود و همین مسأله سبب درگیری و نزاع بین مذاهب مختلف و اقوام ایرانی با ترکان اهل سنت عثمانی نیز شده بودند که در قالب سپاه ترک هم‌پیمان شاه اسماعیل به ایران آمده بودند. آرتیمانی از ابتدا تا انتهای ساختار ساقی‌نامه با ارادت به پیامبر و اهل بیت پیرو گفتمان مسلط به بازتولید گفتمان قدرت کمک می‌کند.

از طرفی واکاوی در فرآیندهای کارکرد زبانی متن بسامد قابل توجه فراکارکرد اندیشگانی از نوع فرآیند مادی با ۵۹٪ را نشان داد که مبین جنبش و تحرک متن در جامعه‌ای پویاست. فضای شعر با توجه به فرآیندهای مادی و حجم فعل‌های گذرای با ۸۰٪ در مقابل ۲۰٪ فعل‌های ناگذر، نشان دهنده پویایی و حرکت در شعر است. شراب با نمادپردازی در نخستین ابیات در کل ساختار شعر به تنهایی عنوان یک کنشگر غیرانسانی از جایگاه مهمی برخوردار است. مشارکان غیرانسانی مانند حضرت محمد(ص)، امام علی(ع)، ساقی، زاهد، شیخ نمود یافته‌اند از طرفی اغلب مشارکان به شکل مخاطب(تو) و همچنین در برخی ابیات در خطاب به خداوند ظاهر می‌شوند و تصویرساز جامعه‌ای آرمانی از نگاه شاعرانند. از طرف دیگر بیان انتقادهای اجتماعی از زبان آرتیمانی به گروه‌های اجتماعی همچون زاهدان و شیخان مسجد با رویکرد ریاکارانه این مشارکان اجتماعی مقبولیت و قدرت پذیرش گفتمان وی را آشکار می‌سازد.

جملات دستوری در قالب امر و نهی در مقام اقتدار آرتیمانی به عنوان شخص مسلط بر گفتمان به ارزش رابطه‌ای ساقی‌نامه حکایت می‌کند. در فرانش بینافردی استفاده از وجه التزامی با توجه به اینکه گوینده در اجرای عمل اظهار نظر می‌کند نشان دهنده احتمال و عدم قطعیت در اجرای افعال و اعمال است و نشان می‌دهد آرتیمانی امیدوار به وضعیت ایده‌آل است اگرچه تردید هم دارد. حاصل سخن اینکه ساقی‌نامه محصول گفتمانی جامعه‌ای که در آن تولید شده و متقابلاً گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی هم عصر خود را بازتولید می‌کند.

منابع و مآخذ

۱. آذربیدگدلی، لطفعلی بن آفاخان، ۱۳۷۸، آتشکده آذر، تهران: امیرکبیر.
۲. آرتیمانی، رضی‌الدین. ۱۳۷۲. *دیوان رضی‌الدین آرتیمانی*. چاپ اول، قم: دارالفکر.
۳. آقاگلزاده، فردوس، ۱۳۹۰، تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. الشیبی، کامل مصطفی، ۱۹۸۲م، الصله بین التصوف و التشیع، چاپ سوم، بیروت: دارالاندلس.
۵. پارسادوست، منوچهر، ۱۳۸۸ش، شاه تهماسب اول، چاپ دوم، تهران: انتشار.
۶. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۸، فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان، چاپ اول، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۹، مجموعه مقالات تحلیل گفتمان، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ.
۸. تشکری، علی اکبر، نقیبی، الهام، ۱۳۹۳، تعامل و تقابل تصوف و تشیع در عصر صفوی، سال ششم، دانشگاه اصفهان، شماره دوم صص ۴۹-۶۶.
۹. دینه سن، آنه ماری، ۱۳۸۰، درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه مظفر قهرمان، چاپ اول، نشر پرسش
۱۰. رپلی، تیم، ۱۳۹۰، راهنمای علمی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند؛ مترجم دکتر عبدالله بیچرانلو، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۱. صدیق حسن خان، محمدعلی خان، ۱۳۹۰، تذکره صبح گلشن، چاپ اول، تهران.
۱۲. صفوی، کوروش، ۱۳۷۹، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، پژوهشگاه فرهنگ و هنر.
۱۳. سیوری، راجر، ۱۳۸۵، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر مرکز.
۱۴. فرکلاف، نورمن، ۱۳۷۹، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۵. گویای موی، محمد قدرت الله، ۱۳۳۶، تذکره نتایج الافکار، چاپخانه سلطانی.
۱۶. لاپیدوس، ایرا. ام. ۱۳۷۶ش، تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هیجدهم، ترجمه محمود رمضان زاده، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۷. لطفی پور ساعدی، کاظم، ۱۳۷۱، درآمدی بر سخن کاوی، مجله زبان شناسی.
۱۸. یارمحمدی، لطف الله، ۱۳۹۱، درآمدی بر گفتمان شناسی، چاپ اول، تهران: هرمس.
۱۹. یورگنسن، ماریان، فیلیپس، لوئیز، ۱۳۸۹، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
۲۰. هالیدی، مایکل، حسن، رقیه، ۱۳۹۳، زبان بافت و متن؛ جنبه‌هایی از زبان در چشم اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی، ترجمه مجتبی منشی زاده و طاهره میلانی ایشانی، تهران: علمی.

۲۱. هدایت، رضاقلی خان، ۱۳۱۶، تذکره المحققین موسوم به ریاض العارفین، تهران: کتابخانه مهدیه.

22. Jakobson. R.1960," linguistics and Poetics", Insebok, MIT.Cambridge.
23. Benveniste,E, problems in General linguistics, Miami, FI:university of Miami press. 1971
24. Saussure,F. de. Course in General linguistics, London: Fontana. 1974
25. Halliday,M.A.K. and Matthiesson C.M.I.M. Halliday`s Introduction to Functional Grammar, 4th ED. 2014.
26. Halliday, M.A.K 1985, An Introduction to functional grammar, landon: Edward Arnold.